

خطبه های نماز عید سعید فطر - 29 / شهریور / 1388

خطبه ی اول

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. الحمد لله الذى خلق السماوات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون.

نحمده و نستعينه و نستغفره و نؤمن به و نتوكل عليه و نصلی و نسلّم على حبيبه و نجيبه و خيرته فى خلقه و حافظ سرّه و مبلغ رسالاته بشير رحمته و نذير نقمته سيّدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمّد و على ءاله الأطيبين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديين سيّما بقيّة الله فى الأرضين و صلّى على أئمة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين

عید سعید فطر را به همه ی برادران و خواهران نمازگزار و همه ی ملت ایران و به همه ی مسلمانان جهان و امت عظیم اسلامی تبریک عرض میکنیم. مسلمان از ماه رمضان با نورانیت خارج میشود. ماه رمضان با روزه اش، با ذکر و دعا و ثنای الهی در آن، با تلاوت قرآن، با حسنات فراوان دیگر که انسان مؤمن از آن برخوردار میشود، دل را نورانی میکند، زنگارها را از دل و جان انسان میزداید. در حقیقت از شب قدر، انسان مؤمن روزه دار، سال نوی را آغاز میکند. در شب قدر تقدیر او در دوران سال برای او از سوی کاتبان الهی نوشته میشود. انسان وارد يك سال نو، مرحله ی نو و در واقع يك حیات نو و ولادت نو میشود. در راهی به حرکت در می آید، با ذخیره ی تقوا این راه را طی میکند، در اثنای این راه هم مقاطع گوناگون برای تجدید خاطره و یادآوری مجدد برای او قرار داده اند و روز عید فطر یکی از این مقاطع میان راه است. این روز را باید مغتنم شمرد.

این نماز روز عید فطر به يك معنا شکرانه ی نعمت الهی در ماه رمضان است. شکرانه ی این ولادت جدید است. در نماز عید فطر بارها به خداوند عرض میکنیم: «ادخلنى فى كلّ خير ادخلت فيه محمّداً و آل محمّد»؛ ما را به آن بهشت مصفاى ایمان و اخلاق و عمل که این برگزیدگان را در آن جا دادی، وارد کن. «و اخرجنى من كلّ سوء اخرجت منه محمّداً و آل محمّد صلواتك عليه و عليهم»؛ از آن دوزخ عمل ناشایست، اخلاق ناشایست، عقیده ی ناشایست که این بزرگواران و عزیزان عالم خلقت را از آن محفوظ و مصون نگاه داشتی، ما را خارج کن. این هدف بزرگ را برای خودمان در روز عید فطر ترسیم میکنیم، آن را از خدا طلب میکنیم و خود ما هم البته وظیفه داریم، تکلیف داریم که سعی کنیم، تلاش کنیم که در این صراط مستقیم بمانیم. این همان تقواست.

یکی از دستاوردهای بزرگ ماه رمضان توبه و انابه است؛ بازگشت به خدای متعال. در دعای شریف ابی حمزه ی شمالی میخوانیم: «و اجمع بينى و بين المصطفى و انقلنى الى درجة التوبة اليك»؛ ما را به درجه و مقام توبه برسان که برگردیم. از راه کج، از عمل بد، از پندار بد، از اخلاق زشت برگردیم.

در دعای وداع ماه مبارك رمضان، امام سجاد به پروردگار عالم عرض میکند: «انت الذى فتحت لعبادك بابا الى عفوك و سمّيته التوبة»؛ (1) این باب را باز کردی به روی ما که به سوی عفو تو بشتابیم، از نعمت عفو و رحمت تو بهره ببریم. این در، در توبه است؛ پنجره ی دلگشا به سوی فضای مصفاى عفو الهی. اگر خدای متعال راه توبه را به روی بندگان باز نمیکرد، وضع ما بندگان گنهکار خیلی بد میشد. انسان تحت تأثیر غرائز انسانی، هوی های نفسانی دچار خطا میشود، دچار لغزش میشود و گناه میکند. هر کدام از این گناهان زخمی بر پیکره ی دل و جان ما وارد میکند. چه کار میکردیم اگر راه توبه نبود؟

در دعای کمیل امیرالمؤمنین عرض میکند: «لا اجد مفرّاً ممّا كان متّى و لا مفرّعا اتوجّه اليه فى امرى غير قبولك عذرى»؛ اگر مسئله ی عذرخواهی کردن و قبول عذر از سوی پروردگار کریم و رحیم نبود، چطور ما میتوانستیم از آنچه بر سر خود آورده ایم از گناه، از تخلف، از لغزش، از پیروی از هوی ها، از شر این همه بارهای سنگین گناه، خودمان را خلاص کنیم؛ مفرّی نداشتیم، پناهگاهی نداشتیم. این پناهگاه را خدای متعال به روی ما گشوده است و

آن توبه است. توبه را قدر بدانید.

جوانی بر اثر جهالت از خانه ی پدر و مادر میگریزد و فرار میکند، بعد به آغوش پدر و مادر برمیگردد و با محبت آنها، با مهر آنها، با نوازش آنها مواجه میشود. این، توبه است. وقتی برمیگردیم به سوی خانه ی رحمت الهی، خدای متعال با آغوش باز ما را قبول میکند و میپذیرد. این بازگشت را که در ماه رمضان به طور طبیعی برای انسان مؤمن پیش می آید، مغتنم بشماریم. من دیدم تصویر حضور جوانان را، نوجوانان را، زنان و مردان را، در ماه رمضان در جلسات دعا، در جلسات قرآن، در جلسات ذکر؛ این اشکهایی که در توجه به پروردگار بر چهره ها میغلطید و فرو میریخت، خیلی قیمت دارد، خیلی ارزش دارد. اینها توبه است. این توبه را نگه داریم. هوی پرستی ما، دلهای سر به هوای ما دچار خطا و لغزش میشود. این فرصت را ماه رمضان در اختیار ما قرار داده است که بتوانیم خودمان را شستشو بدهیم. این شستشو خیلی ارزش دارد. این اشکها دل را شستشو میدهد، اما باید حفظش کرد، باید آن را نگه داشت. همه ی این دردهای بزرگ، بیماری های مهلك و خطرناك، یعنی منیت ها، کبرها، حسدها، تعدی ها، خیانتها، لابلایگری ها - که اینها بیماری های بزرگ ما هستند - در ماه رمضان فرصت علاج پیدا میکنند، قابل درمان میشوند. خدای متعال توجه میکند و یقیناً توجه کرده است. ماه رمضان ما امسال ماه رمضان خیلی خوبی بود. مجالس - مجالس قرآن، مجالس ذکر، مجالس دعا، مجالس موعظه - حضور قشرهای مختلف، گروه های مختلف اجتماعی، چهره ها و قیافه های گوناگون در این مجالس. چقدر انفاق در این ماه انجام گرفت، چقدر در طول این ماه مبارك از ضعیفان دستگیری شد. اینها خیلی ارزش دارد. هر کدام يك عطری به روح انسان میدهد، گشایشی برای انسان به وجود می آورد. اینها را حفظ کنیم. من توصیه میکنم جوانها این دلهای نرم را، این دلهای نورانی را مغتنم بشمرند. در سنین بالا کمتر پیش می آید، برای جوانها بیشتر پیش می آید. این دلها را حفظ کنید. نماز اول وقت، حضور در مساجد، تلاوت قرآن، انس با قرآن، انس با ادعیه ی وارده ی از اهل بیت - که گنجینه ی معارف اسلامی است - را مغتنم بشمرید.

به اخلاق خودمان هم برسیم؛ به اخلاق خودمان هم برسیم. اخلاق اهمیتش از عمل هم بیشتر است. فضای جامعه را فضای برادری، مهربانی، حسن ظن قرار بدهیم. من هیچ موافق نیستم با اینکه فضای جامعه را فضای سوءظن و فضای بدگمانی قرار بدهیم. این عادات را از خودمان باید دور کنیم. اینکه متأسفانه باب شده که روزنامه و رسانه و دستگاه های گوناگون ارتباطی - که امروز روزبه روز هم بیشتر و گسترده تر و پیچیده تر میشود - روشی را در پیش گرفته اند برای متهم کردن یکدیگر، این چیز خوبی نیست؛ این چیز خوبی نیست، دل ما را تاریک میکند، فضای زندگی ما را ظلمانی میکند. هیچ منافات ندارد که گنهکار تاوان گناه خودش را ببیند، اما فضا، فضای اشاعه ی گناه نباشد؛ تهمت زدن، دیگران را متهم کردن به شایعات، به خیالات. همین جا من این را هم بگویم: اینکه در دادگاه ما - که در تلویزیون هم پخش میشد - از قول يك متهمی چیزی راجع به يك کس دیگری گفته میشود، من این را بگویم که این، شرعاً حجیت ندارد. بله، متهم هرچه درباره ی خود در دادگاه بگوید، این حجت است. اینکه بگویند در دادگاه درباره ی خودش اگر اعترافی کرد، حجت نیست، این حرف مهملی است، حرف بی ارزشی است؛ نه، هر اقراری، هر اعترافی، شرعاً، عرفاً و در نزد عقلا در يك دادگاه در مقابل دوربین، در مقابل بینندگان میلیونی که متهم علیه خود بکند، این اعتراف مسموع است، مقبول است، نافذ است؛ اما علیه دیگری بخواهد اعترافی کند، نه، مسموع نیست. فضا را نباید از تهمت و از گمان سوء پر کرد. قرآن کریم میفرماید: «لو لا اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بانفسهم خیرا»؛ (2) وقتی میشنوید که یکی را متهم میکنند، چرا به همدیگر حسن ظن ندارید؟ تکلیف دستگاه اجرائی و قضائی به جای خود محفوظ است. دستگاه های اجرائی باید مجرم را تعقیب کنند، دستگاه های قضائی باید مجرم را محکوم و مجازات کنند؛ با همان روشی که ثابت میشود و در قوانین اسلامی و قوانین عرفی ما هست و هیچ هم در این زمینه نباید کوتاه بیایند؛ اما مجازات مجرم که از طرق قانونی جرم او ثابت شده است، غیر از این است که به گمان، به خیال، به تهمت، یکی را متهم کنیم، بدنام کنیم، توی جامعه دهن به دهن بگردانیم. اینکه نمیشود. این فضا، فضای درستی نیست. یا دیگران - خارجی ها، بیگانه ها، تلویزیونهای مغرض - علیه کسی یا کسانی حرفی بزنند، ادعا کنند که اینها فلان جا خیانت کردند، فلان جا خطا کردند؛ ما هم عین همان را پخش کنیم. این، ظلم است؛ این، مورد قبول نیست. رسانه های بیگانه کی دلشان برای ما سوخته است؟ کی خواسته اند

حقائق در مورد ما روشن بشود، که در این مورد بیایند حقیقت را گفته باشند؟ میگویند، حرفهائی میزنند، ادعاهائی میکنند. نباید گفت اینها شفافیت است. این، شفافیت نیست؛ این، کدر کردن فضا است. شفافیت معنایش این است که مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد؛ این معنای شفافیت است، باید هم بکنند؛ اما اینکه ما بیائیم این و آن را بدون اینکه اثبات شده باشد، بگیریم زیر بار فشار تهمت و چیزهائی را به آنها نسبت بدهیم که ممکن است در واقع راست باشد، اما تا مادامی که ثابت نشده است، ما حق نداریم آن را بیان کنیم؛ این آن را متهم کند، آن این را متهم کند؛ از رسانه ی بیگانه - رسانه ی مغرض انگلیس - شاهد برایش بیاوریم، بعد هم یک نفر از آن طرف پیدا بشود و کل نظام را به اموری که شایسته ی نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی شأنش بسیار بالاتر است از این چیزهائی که بعضی به نظام اسلامی نسبت میدهند، متهم بکند، این اشکال بر آنها بیشتر هم وارد است. تهمت زدن به یک شخص گناه است، تهمت زدن به یک نظام اسلامی، به یک مجموعه، گناه بسیار بزرگتری است. پروردگارا! با تقوای خود ما را از این گناهان دور کن.

بسم الله الرحمن الرحيم

والعصر. انّ الانسان لفي خسر. الا الذين امنوا و عملوا الصالحات
و تواصلوا بالحقّ و تواصلوا بالصبر. (3)

خطبه ی دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمّد
و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين لا سيّما على اميرالمؤمنين و الصّديقة الطاهرة
و الحسن و الحسين سيّدی شباب اهل الجتة و علىّ بن الحسين و محمّد بن علىّ
و جعفر بن محمّد و موسى بن جعفر و علىّ بن موسى و محمّد بن علىّ و علىّ بن محمّد
و الحسن بن علىّ و الخلف الهادي المهديّ حججك على عبادك و امنائك في بلادك
و صلّ على ائمة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين
اوصيكم عباد الله بتقوى الله

در خطبه ی دوم، اولین مطلبی که وظیفه ی خود میدانم عرض بکنم، عرض سپاس و قدردانی است از ملت عظیم الشان ایران به خاطر نمایش عظمتی که در روز قدس در برابر چشم جهانیان قرار دادند. چقدر سعی کرده اند در طول این سالها که روز قدس را که نماد صف بندی حق در مقابل باطل است، تضعیف کنند. روز قدس نشان دهنده ی صف بندی حق و باطل، صف بندی عدل در مقابل ظلم است. روز قدس فقط روز فلسطین نیست؛ روز امت اسلامی است. روز فریاد رسای مسلمانان علیه سرطان کشنده ی صهیونیسم است که به وسیله ی دست متجاوز اشغالگران، مداخله کنندگان، قدرتهای استکباری به جان امت اسلامی افتاده است. روز قدس چیز کوچکی نیست. روز قدس يك روز جهانی است. يك پیام جهانی هم دارد. نشان دهنده ی این است که امت اسلامی اولاً زیر باز ظلم نمیروند، ولو این ظلم از پشتیبانی بزرگترین و قدرتمندترین دولتهای عالم برخوردار باشد. چقدر سعی کردند روز قدس را تضعیف کنند و امسال بیش از همیشه تلاش کردند؛ اما روز قدس در ایران اسلامی، در تهران با عظمت به همه ی دنیا نشان داد که عقربه ی انقلاب و ملت ایران به کدام سمت و کدام جهت است؛ نشان داد که اراده ی ملت ایران چیست؛ نشان داد که ترفندها و حقه ها و پول خرج کردنها و خباثتهای سیاسی آنها بر روحیه ی ملت ایران اثری ندارد. سران و سیاسیون غرب در این چند ماه فریب رسانه های خودشان را خوردند، فریب تحلیلگران حرفه ای مطبوعات و رادیو تلویزیونهای خودشان را خوردند، خیال کردند که میتوانند روی ملت ایران اثر بگذارند. روز قدس شما نشان دادید که آنها در پی سراب بودند. حقیقت این است. حقیقت ملت ایران همان چیزی است که در روز جمعه ی آخر ماه مبارک رمضان - روز قدس - نشان داده شد و نشان داده شد که امتداد این عظمت، این حرکت در دنیای اسلام گسترده است و مخصوص ایران نیست؛ در نقاط مختلف عالم مسلمانها هر جائی که امکان پیدا کردند، روز قدس را

با فریاد خود علیه ظلم آمیختند. روز قدس روز بسیار عظیمی است. این کار را شما به بهترین وجهی انجام دادید. یک بار دیگر ملت ایران نشان داد که در مواقع حساس، سخن خود را با رساترین فریاد به گوش مردم دنیا میرساند. هفته ی دفاع مقدس آغاز میشود. دفاع مقدس جهاد بزرگ دینی و ملی ملت ایران بود. ملت ایران روح اعتماد به نفس ملی را به وسیله ی هشت سال دفاع قدرتمندانه توانست در خود تقویت کند، توانست استعدادها را در خود شکوفا کند، توانست ظرفیتهای ناشناخته ی خود را بشناسد. جوانهای ما در جنگ تحمیلی، چه در نیروهای مسلح - ارتش و سپاه - و چه در بسیج عظیم مردمی - بسیج مستضعفان - توانستند چهره ای را از ایران نشان بدهند که ده ها سال بود - شاید بشود گفت دویست سیصد سال بود - که از ایران چنین چهره ای دیده نشده بود. اگر شما می بینید امروز ملت ما و جوانان ما با ظرفیت عظیم استعداد خود در میدانهای دانش و فناوری حضور دارند، بخش عمده ای از این مرهون دفاع مقدس است. آنجا بود که ملت ایران آگاه شدند، دانستند که چه ظرفیتی دارند، چه قدرتی دارند. آنهایی که به جمهوری اسلامی حمله کردند، به خودشان وعده دادند که سه روز دیگر، یک هفته ی دیگر، یک ماه دیگر، تهران را فتح خواهند کرد (! امروز از آن روزها نزدیک به سی سال گذشته است؛ ملت ایران روزبه روز مقتدرتر و قوی تر شده است؛ این درخت روزبه روز تناورتر و ریشه دارتر شده است و آن مفلوکهایی که آن خیالهای باطل را کردند، هر کدامشان در کنجی به زباله دان افتادند و نابود شدند. بعد از این هم همین جور خواهد بود. آنچه که من امروز به همه ی ملت عزیزمان و به مسئولین محترم - بخصوص که بحمدالله هم قوه ی مجریه، هم قوه ی قضائیه، یک دوره ی جدید را آغاز کرده اند و تازه نفسند - توصیه میکنم، این است که برای دهه ی پیشرفت و عدالت، همه خودشان را آماده کنند. ما احتیاج داریم به جهش در این راه. ما عقب ماندگی زیاد داریم. با رفتار معمولی نمیشود به نقطه ی مطلوب رسید؛ ما به جهش احتیاج داریم. این جهش، ایمان میخواهد، اخلاص میخواهد، هماهنگی میخواهد، همکاری نیروها را با یکدیگر لازم دارد. قوای سه گانه با هم همکاری میکنند، به هم کمک کنند؛ مردم به مسئولین، بخصوص به قوه ی مجریه که وسط میدان است کمک کنند، همکاری کنند، همراهی کنند، ما بتوانیم راه های نرفته را برویم؛ کارهای بزرگی که در انتظار ماست، انجام بدهیم. بر روی یک نقطه ی بخصوص هم تاکید میکنم در میان کارهایی که باید انجام بدهیم و آن نقطه، علم است. چند سالی است که حرکت علمی در کشور آغاز شده است. نخبگان نگذارند این حرکت کند شود یا خدای ناکرده متوقف شود؛ پیش بروید. حوزه و دانشگاه در این مورد مسئولیت سنگینی دارند. استاد و دانشجو همه مسئولیت دارند. راه علم را باید دنبال کنید. اگر ملتی نتواند در میدان علم و پیشرفت علمی و خطشکنی علمی پیشرفت کند، کلاهدش پس معرکه خواهد ماند.

اگر می بینید کسانی آگاهانه، بی پروا در دنیا ظلم آشکار میکنند، این به پشتوانه ی علمشان هست. علم است که برای آنها ثروت به وجود آورده است، قدرت سیاسی به وجود آورده است، نفوذ در دنیا و در مناطق گوناگون عالم به وجود آورده است. کلید پیشرفت، علم است. نگذارید حرکت علمی متوقف بشود.

یک نکته ی دیگر هم عرض بکنم. امسال ما اعلام کردیم سال اصلاح الگوی مصرف؛ همه هم استقبال کردند؛ مسئولین استقبال کردند، مردم - هر کدام صدایشان به ما رسید - استقبال کردند، متخصصین و نخبگان و افراد مطلع در زمینه های اجتماعی و اقتصادی استقبال کردند، گفتند عجب شعار درستی است، شعار خوبی است؛ خوب، چه شد؟ سه چهار ماه متأسفانه کشور دنبال همین هیجانهای کاذب، در این زمینه وقت را از دست داد. ما الان در پایان نیمه ی اول سال قرار داریم. البته اصلاح الگوی مصرف مخصوص یک سال نیست؛ سالها طول میکشد. من ایام عید هم این را گفتم؛ شاید ده سال طول بکشد که انسان بخواهد این کار را بکند؛ اما باید شروع کنیم. مسئولین باید در این زمینه تلاش کنند، کار کنند، همکاری کنند، دانشگاه ها، افراد مطلع، حوزه های علمیه، هر کدام نقشی دارند؛ ان شاءالله این نقش را ایفاء کنند و بتوانیم به کمک الهی، با همت دولت محترم که در این زمینه باید پیشتاز باشد و پیشرو باشد و با کمک مردم، این کار را پیش ببریم.

بسم الله الرحمن الرحيم

اَنَا اعطيناكَ الكوثر. فصلٌ لربِّكَ و انحر. انَّ شانئكَ هو الابتر. (4)

والسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

- 1) صحیفه ی سجادیه، دعای 45
- 2) نور: 12
- 3) عصر: 1 - 3
- 4) کوثر: 1 - 3